

ایجاد نخستین کلانشهر واقعی ایران در مجموعه شهری تهران:

با تاکید بر سهم مهاجرت

دکتر شهلا کاظمی پور^۱

امیر حاجیان^۲

چکیده

کلانشهرها با توجه به تعریفی که از آنها می شود پدیده ای قرن بیستمی هستند، هر چند که ممکن است برخی از شاخص های آنها بتواند شامل محدودی شهر در مناطق مختلف جهان در دوره های گذشته نیز باشد. گوتمن کلانشهر را بزرگترین و در عین حال پیچیده ترین مصنوعی می داند که بشر تاکنون موفق به ساخت آن شده است. این مقاله در نظر دارد با توجه به معنا و مفهوم اصطلاح کلانشهر و روند شکل گیری و توسعه آن در جهان این پدیده را در کشور و بخصوص در مجموعه شهری تهران مورد بررسی قرار دهد. در این نوشتار سعی شده است ابتدا مفاهیم مادرشهر، کلانشهر و سپس روند و چگونگی توسعه نمونه ای از کلانشهرهای جهان (BosNYWash) و همین طور اشکال توسعه و رشد کلانشهرهای جهان بیان شود، در ادامه به بیان چگونگی گسترش شهر تهران، بعد از آن مجموعه شهری تهران و با تاکید بر سهم مهاجرت در این میان - که زمینه را برای ایجاد نخستین کلانشهر کشور مهیا کرده است - می پردازیم.

واژگان کلیدی:

- کلانشهر، مادرشهر، شهرنشینی، مجموعه شهری تهران، مهاجرت.

۱. عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

۲. کارشناس ارشد جمعیت شناسی

مقدمه:

امروزه شهرنشینی در جهان با چنان سرعتی به پیش می رود که در تاریخ شهرنشینی بی سابقه بوده است و عملاً^۱ همه کشورهای جهان اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را متأثر کرده است (به گونه ای که هم اکنون بیش از نیمی از ساکنان جهان در نقاط شهری سکونت دارند). این پدیده همانند بسیاری از دیگر پدیده ها، نتایج و پیامدهای گوناگونی در کشورهای مختلف در پی داشته است، از یک سو در کشورهای توسعه یافته که این نیروی انسانی وسیع در شهرها با رشد اقتصادی و برنامه ریزی های مدون همراه بوده سبب توسعه همه جانبه آنها شده است و از سوی دیگر در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم برنامه ریزیها و زیر ساختهای مناسب سبب بروز مشکلات عظیم و پیچیده شده است.

رشد سریع جمعیت در شهرها متأثر از افزایش کلی جمعیت جهان به دلیل کاهش مرگ و میر و مهاجرت های روستا شهری است که باعث شده اند، که بر جمعیت شهرهای جهان روز به روز افزوده شود و شهرهای میلیونی در گوشه و کنار جهان پدید آیند. در کنار این تحولات که شهرنشینی در رشد و توسعه خود دیده است شاهد این وضعیت نیز هستیم که اصطلاحاتی همچون مادرشهر^۱ و کلانشهر^۲ در ادبیات و نوشتارهای مرتبط با مسائل شهری پدید آمده اند. هر یک از دو اصطلاح فوق علاوه بر سوابق تاریخی، دارای معنا و مفهوم ویژه ای می باشند که امروزه گونه های خاص از شهرها و حوزه های شهری را در جهان تداعی می کنند.

از آنجا که در تعریف شهر طبقه بندی های مختلفی در کشورهای جهان وجود دارد که عمدتاً^۳ به خاطر اختلاف نظر در مورد شاخص جمعیتی آن است، همین وضعیت نیز در مورد مفاهیم مادر شهر و به خصوص کلانشهر نیز وجود دارد. حال آنکه براساس نظر بسیاری از محققان در تعریف کلانشهر علاوه بر شاخص جمعیتی باید وجود زیر ساخت ها، تنوع فعالیتی، شعاع حوزه شهری، شهرهای تحت پوشش و... را نیز مد نظر قرار داد. در حال حاضر در ایران شهرهای با جمعیت بالای یک میلیون نفر کلانشهر تعریف شده اند. در همین راستا از شهرهای تهران، کرج، مشهد، اصفهان، تبریز، اهواز و قم به عنوان کلانشهر

1-Metropol

2-Megalopolis

نام برده می شود. اما به نظر می رسد که این تقسیم بندی تنها با هدف تفکیک شهرهای بزرگ از دیگر شهرها صورت گرفته باشد و به دیگر شاخص های کلانشهرها توجه ای نشده است. این مقاله در نظر دارد با توجه به شاخص های کلانشهرهای جهان این پدیده را در بزرگترین و پرجمعیت ترین مجموعه شهری کشور (مجموعه شهری تهران) که بیش از هر مکان دیگر در کشور مستعد ایجاد نخستین کلانشهر ایران می باشد، بررسی نماید.

مادرشهرها و کلانشهرها :

مفهوم پالیس^۱ که در زبان فارسی از آن به عنوان مادرشهر نام برده می شود یک واژه یونانی است. در فرهنگ آریان پور نیز اصطلاحات Metropol و Metropolis به مفهوم شهر مرکزی، پایتخت، شهر عمده و مرکز کار معرفی شده است (آریان پور ۱۳۶۳). در فرهنگ میراث آمریکایی^۲ منظور از متروپلیس عبارت از شهر بزرگ و به ویژه اصلی ترین شهر یک کشور یا منطقه است که به عنوان یک مرکز ویژه فعالیت و به منظور خدمت رسانی به حوزه تحت پوشش خود عمل می کند.

در تعریف مادرشهرها همانند کلانشهرها تعاریف متفاوتی از نظر معیار جمعیتی وجود دارد اما سوا از معیار جمعیتی مادرشهرها دارای نقش های مختلف شهری مانند تجاری، اداری، سیاسی، دانشگاهی و خدماتی می باشند و آنها را به خوبی در سطوح ناحیه ای و کشوری ایفا می نمایند. از جمله معیارهای مادرشهر آن است که رفت و آمد از مرکز آنها تا محدوده های بیرونی حدود ۴۵ دقیقه و زمان مورد نیاز به منظور دسترسی از مسکن تا محل کار حداقل به ۳۰ دقیقه بینجامد. وسایل حمل و نقل پیشرفته، امکانات سرمایه گذاری عظیم و جهانی و گسترده و خدمات خصوصی در این شهرها بسیار فراهم تر از شهرهای معمولی می باشد. خلاصه اینکه مادرشهر ترکیبی از شهر و حومه با هم در یک مجموعه است (شیعه ۱۳۸۳: ۵۵). Megalopolis که در زبان فارسی از آن به عنوان کلانشهر نام برده می شود، نیز یک واژه یونانی است و استعمال آن سابقه طولانی دارد. این اصطلاح در دوران جدید

1-Polis

2-American Heritage Dictionary

عموماً شامل یک ناحیه شهری است که از چند مادرشهر تشکیل شده است و نمونه آن در شرق ایالات متحده آمریکا بین بوستون و واشنگتن شکل گرفته است. بنابراین، مگالوپلیس یا کلانشهر مجموعه ای متشکل از چند متروپل یا مادرشهر است که بدون انقطاع در کنار هم استقرار یافته باشد. به بیان دیگر چنانچه حومه های یک مادرشهر و شهرکهای اطراف آن در اثر تکامل و گسترش وسایل ارتباطی و افزایش سرعت وسایل حمل و نقل با حومه ها و شهرکهای یک مادرشهر دیگر ترکیب شده و از حاصل آنها بافت زنجیره ای حوزه های متروپلیتن با هم اختلاط یابند، حوزه کلانشهر یا مگالوپلیس به وجود می آید. چنانچه این بافت زنجیره ای متشکل از چند مادرشهر باشد، کلانشهر نامیده می شود که دارا بودن حداقل جمعیت بیش از ده میلیون نفر از الزامات آن به حساب می آید (شکویی ۱۳۵۰: ۳۶۳-۳۵۹).

در فرهنگ اینکاترا^۱ از مگالوپلیس به عنوان ناحیه ای متشکل از شهرهای بزرگ و مجموعه ای که در آن چندین شهر بزرگ مادرشهری با نواحی حومه ای وجود دارد، نام برده شده است. در فرهنگ میراث آمریکایی نیز مگالوپلیس به معنی یک مجموعه بزرگ شهری است که در یک منطقه به وجود آمده و متشکل از چند شهر بزرگ به همراه نواحی اطراف آن می باشد که همجوار با هم به عنوان توده بزرگ شهری رخ می نماید.

در عصر حاضر مهمترین نواحی کلانشهری جهان را می توان به ترتیب زیر بر شمرد:

- کلانشهر بوستون تا واشنگتن در شمال شرق ایالات متحده آمریکا، شامل حوزه های مادرشهری کنتکتی کت، نیو جرسی، فیلادلفیا و بالتیمور، واشنگتن و نیویورک (موسوم به **BosNYWash**^۲ یا **Bos Wash**).
- کلانشهر اطراف دریاچه های پنجگانه در فاصله کشورهای کانادا و ایالات متحده آمریکا شامل حوزه های مادرشهری شیکاگو، میلواکی، دیترویت، ویندرز، کلیولند، پیتزبورگ، بالفور و تورنتو.

1-Encarta Dictionary

2-Boston New York Washington,D.C

- کلانشهر واقع در ژاپن و در فاصله حوزه مادر شهری توکیو تا یوکوهاما.
- کلانشهر ژاپن مرکزی و در فاصله حوزه های مادر شهری کوبه و اوزاکا و کیوتو.
- کلانشهر سرزمین میانی بریتانیا، شامل حوزه های مادر شهری لیورپول، منچستر، لیدز، برادفورد و بیرمنگام.
- کلانشهر راین - رور در آلمان، شامل حوزه های مادر شهری کلن، دوسلدرف، رورگیت.

علت گسترش دهنده و فزاینده اغلب کلانشهرهای جهان حالت مشترک دارد. اغلب مادرشهرهای واقع در کلانشهرها تحت نفوذ یک مرکز بزرگتر می باشند و یک یا چند حوزه فرعی مادر شهری در هر یک از کلانشهرها نحوه شکل گیری و کیفیت پیوستگی را تعیین می کنند (شیعه ۱۳۸۳: ۵۵).

لازم به توضیح است که ظاهراً " ساده ترین تعریف در مورد کلانشهرها و مادرشهرها، معیار جمعیتی است اما در عین حال از بحث انگیزترین معیارها نیز به حساب می آید. لذا بدین خاطر جدا از معیار جمعیتی، در این مقاله به شاخص های دیگری که در بالا هم اشاره شد نیز توجه می شود.

مروری بر چگونگی شکل گیری کلانشهر BosNYWash :

BosNYWash یک گروه از مادرشهرها در شمال شرق ایالات متحده آمریکا هستند که شامل سه مادرشهر کلان بوستون، نیویورک، واشنگتن با چندین شهر اقماری در حال رشد با جمعیتی بالغ بر ۵۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ (برابر با جمعیت انگلستان یا ایتالیا) واقع در شمال شرقی ایالات متحده در جایی که گاتمن^۱ برای نخستین بار با توجه به ویژگیهای خاص این منطقه اصطلاح Megalopolis را در سال ۱۹۶۱ وضع کرد. این جمعیت برابر است با ۱۸ درصد کل جمعیت آمریکا و یا ۰/۸ درصد جمعیت جهان که خود به تنهایی

1- Gottmann

چهارمین و یا حداقل پنجمین اقتصاد بزرگ جهان می باشد (لانگ و دهاوال^۱ ۲۰۰۵: ۳). در این بین به دلیل اینکه مادر شهر نیویورک به عنوان هسته مرکزی کلانشهر BosNYWash نقش عمده ای در ایجاد و توسعه این کلانشهر داشته است، در ذیل به عوامل موثر در رشد و توسعه این مادرشهر پرداخته می شود:

۱. در قرن ۱۹ نیویورک عمدتین مرکز جذب مهاجران وارد شده از اروپا شده بود.
 ۲. ایجاد مسیرهای ریلی عظیمی موسوم به Northeast Corridor (NEC) که امروزه شلوغ ترین مسیر ریلی در ایالات متحده است که مادرشهرهای متعددی را به هم متصل می کند.

۳. افزایش جمعیتی چند میلیونی که روزانه برای کار و فعالیت به جمعیت شهری نیویورک اضافه می شد. این عامل زمینه ساز ایجاد ساختارهای بنیادی برای ایجاد کسب و کار و تجارت این افراد شد.

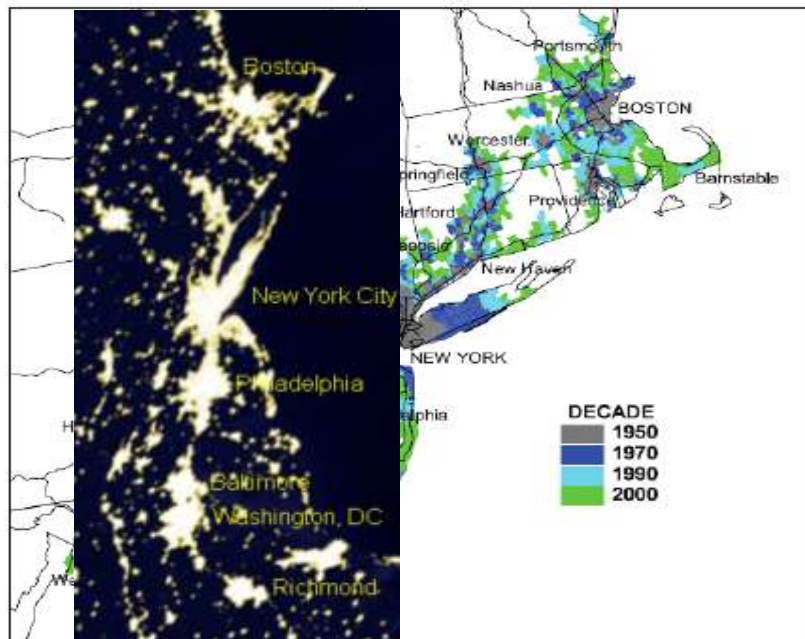
۴. در دهه ۱۹۵۰ به دلیل افزایش هزینه های زندگی، افراد بسیاری از مرکز نیویورک خارج و به دیگر شهرهای منطقه شمال شرقی پیوستند. در دهه ۱۹۷۰ صنایع ثانویه متعدد و در دهه ۱۹۸۰ صنایع خدماتی و مالی از نیویورک خارج و به مناطق حومه ای وارد شدند.

۵. نقش بندری نیویورک و تاثیراتی را که در زمینه تجارت در ایالات متحده دارد را نیز در کنار عوامل بالا باید به عنوان تسریع کننده تمامی تحولات شهری این مادرشهر بزرگ در نظر گرفت (لو^۲ ۲۰۰۴: ۱۶-۱۴).

بدین گونه شهرهای دیگر اطراف نیویورک نیز آن چنان رشدی پیدا کردند که هر کدام مادرشهرهای عظیمی شدند. شکل شماره ۱ موقعیت مادرشهرهای متعددی که زمینه را برای ایجاد کلانشهر BosNYWash فراهم کرده اند نشان می دهد.

1- Lang & Dhavale 2005

2- Lew



شکل ۱. موقعیت و روند تحولات در ایجاد کلانشهر BosNYWash

منبع: Wikipedia encyclopedia

اشکال توسعه کالبدی کلانشهرهای جهان :

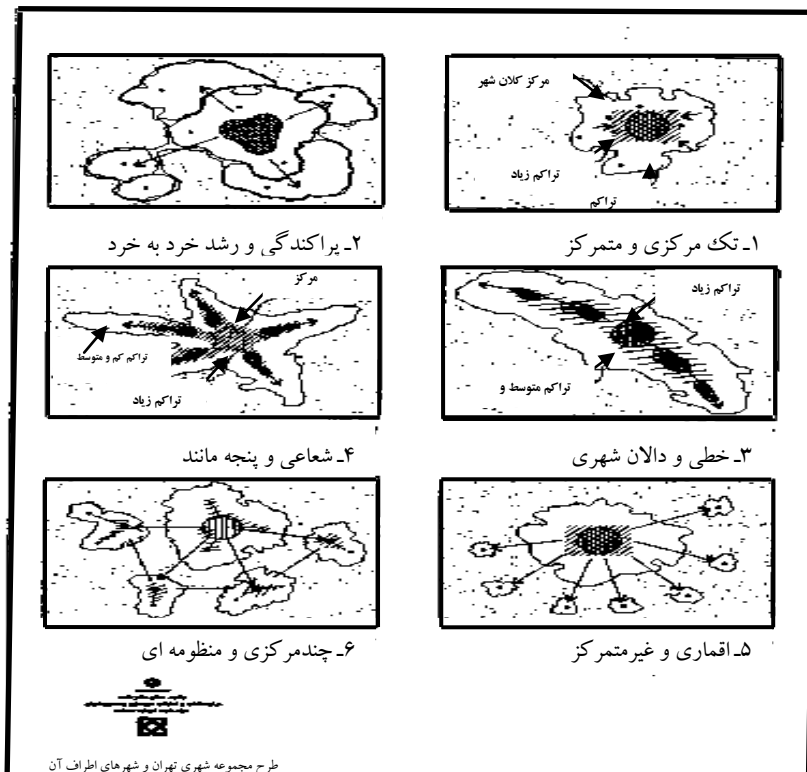
معمولاً "پیرامون کلانشهرها در مراحل اولیه رشد و توسعه، با مجموعه ای از شهرهای کم جمعیت و روستاهای مهاجر فرست احاطه شده است. روند تمرکز جمعیت در کلانشهر، پس از چند دهه، به دلیل محدودیت اراضی قابل توسعه و افزایش هزینه زندگی رو به کاهش گذاشته و جمعیت و فعالیت بتدریج در پیرامون آن استقرار یافته و باعث رشد کانون های جمعیتی اطراف کلانشهر اصلی می شود. در جریان این تحول، ساختار کالبدی کلانشهرهای جهان به یکی از اشکال ذیل خواهد بود (شکل ۲).

۱. **شکل تک مرکزی و متمرکز:** مانند هنگ گنگ و دالاس. در این شکل هرچند دسترسی جمعیت به خدمات و اشتغال به حداکثر می رسد، در مرحله ای از رشد به دلیل

مشکلات ناشی از کمبود فضای توسعه، کمبود خدمات، مشکل ترافیک و ... جمعیت و فعالیت به پیرامون کلانشهر روی می آورد.

۲. شکل پراکنده و نیمه متمرکز: در این شکل چه به صورت حومه نشینی طبقات متوسط و چه به صورت اسکان غیر رسمی کم درآمدها، مجموعه بی شماری از کانون های جمعیت و فعالیت در پیرامون کلانشهر به صورت پراکنده (لس آنجلس)، خطی (کوالامپور و سن پترزبورگ)، شعاعی (واشنگتن) و یا اقماری (لندن) شکل گرفته و توسعه می یابند.

۳. شکل غیر متمرکز: در این شکل رشد و توسعه به شکلی متوازن بین سلسله مراتبی از کانون های جمعیتی خارج از هسته کلانشهر اصلی توزیع شده و کاهش فشار بر هسته مرکزی از طریق شبکه ای از کانون های رقیب بزرگ و کوچک صورت می گیرد. این شکل که نام «منظومه ای» یا «چند مرکزی» می توان بر آن نهاد، باعث کاهش میزان رفت و آمد به کلانشهر اصلی و توزیع عادلانه تر خدمات و فرصت های اشتغال می شود، مانند روهر آلمان و سنگاپور (غمامی ۱۳۸۳: ۳۱).



شکل ۲. اشکال توسعه کلانشهرها

رشد جمعیت در شهرهای بزرگ جهان:

به طور کلی نرخ رشد جمعیت در شهرهای بزرگ واقع در کشورهای در حال توسعه بیشتر از نرخ رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته می باشد (جدول شماره ۱) پیش بینی می شود نرخ رشد سالانه جمعیت شهرهای واقع در هر دو گروه از کشورها تا سال ۲۰۱۵ رو به کاهش خواهد بود. به نظر می رسد پدیده تمرکز زدائی جمعیت از برخی از کلانشهرها به سمت حومه شهرها و شهرهای کوچک - که به پدیده Counter-Urbanization موصوف است - فقط به نقاط شهری کشورهای توسعه یافته محدود نشده است، زیرا بسیاری از کلانشهرهای واقع در کشورهای در حال توسعه نیز کاهش در

رشد جمعیت شهری را تجربه می نمایند. به نظر می رسد فرآیند رشد کلانشهرهای دنیا از چهار مرحله زیر گذر کرده است:

۱. افزایش رشد شهرنشینی در مراکز درونی شهرها در مقایسه با نقاط پیرامونی آن ها.
۲. افزایش رشد شهرنشینی در پیرامون و حومه شهرها نسبت به نقاط مرکزی آن ها.
۳. ظهور پدیده Counter-Urbanization با کاهش رشد جمعیت هم در نقاط مرکزی و هم در نقاط پیرامونی شهرها.
۴. شهرنشینی مجدد در نقاط مرکزی شهرها با رشدی فزون تر از نقاط پیرامونی آن ها (ماجدی، ۱۳۷۹: ۱۱۹).

گذر از مرحله دوم به مرحله سوم فرآیند مذکور، فقط زمانی امکان پذیر است که زندگی در شهرهای کوچک یا حومه شهرها جاذبه داشته باشد و بعضی مواقع دخالت دولت و ساماندهی و مکان یابی مجدد صنایع برای برخی از شهرها لازم به نظر می رسد تا آنها را به طریقی به مرحله سوم فرآیند برساند. شهرهای اروپا و آمریکای لاتین به مرحله سوم یا چهارم از مراحل فوق الذکر رسیده اند که می توان آن را "شهرنشینی انتقالی" نامید (همان: ۴۴).

جدول شماره ۱. تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت شهرهای بزرگ جهان در سالهای

۱۹۷۵-۲۰۱۵^۱

رشد سالانه جمعیت در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۱۵	رشد سالانه جمعیت در سالهای ۱۹۷۵-۲۰۰۵	تعداد جمعیت در سال ۲۰۰۵ (میلیون نفر)	نام شهر - کشور
کشورهای توسعه یافته			
۰/۰۸	۰/۹۳	۳۵/۲	توکیو - ژاپن
۰/۶۰	۰/۵۵	۱۸/۷	نیویورک - آمریکا
۰/۶۳	۱/۰۷	۱۲/۳	لس آنجلس - آمریکا
۰/۰۴	۰/۴۵	۱۱/۳	اوزاکا - ژاپن
۰/۳۴	۱/۱۲	۱۰/۷	مسکو - روسیه
کشورهای در حال توسعه			
۱/۰۵	۱/۹۹	۱۹/۴	مکزیکوسیتی - مکزیک
۱/۱۳	۲/۱۵	۱۸/۳	سائوپائولو - برزیل
۱/۸۴	۳/۱۵	۱۸/۲	بمبئی - هند
۲/۱۲	۴/۰۸	۱۵	دهلی - هند
۱/۷۲	۲/۲۸	۱۴/۵	شانگهای - چین
۲/۴۱	۳/۳۷	۱۳/۲	جاکارتا - اندونزی
۰/۶۵	۱/۲۰	۱۲/۶	بوینس آیرس - آرژانتین
۳/۰۴	۵/۸۱	۱۲/۴	داکا - بنگلادش
۲/۶۷	۳/۵۶	۱۱/۶	کراچی - پاکستان
۱/۸۲	۱/۹۱	۱۰/۷	پکن - چین
۱/۴۴	۱/۹۶	۷/۶	تهران - ایران

1-Source: United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2006). World Urbanization Prospects: The 2005 Revision. Working Paper No. ESA/P/WP/200.

علاوه بر نقش اقتصاد بر ظهور و رشد کلانشهرها، نظام سیاسی نیز تاثیر بسزایی بر این امر دارد. وجود پایتخت بزرگ و غالب به صورت شهر پایه (Primate city)، در ارتباط با تمرکز تصمیمات سیاسی و پایتخت اقتصادی قرار دارد. در اکثر کشورهای متمرکز، پایتخت سیاسی و پایتخت اقتصادی یکی بوده و پایتخت بزرگترین شهر کشور است، در حالیکه در ساختارهای حکومت فدرال اصولاً یک شهر غالب وجود نداشته و پایتخت اقتصادی از پایتخت سیاسی جدا می باشد. پس اگر خواهان ایجاد تعادل منطقه ای در نظام شبکه شهری می باشیم، در آن صورت تغییر مرکز تصمیم گیری از حالت متمرکز به غیر متمرکز (تفویض اختیارات و وظایف دولت مرکزی به استانها و سازمانهای محلی) می تواند نسبت به جابجایی متمرکز تصمیمات سیاسی موثرتر باشد. تجارب بین المللی نشان داده پس از تغییر پایتخت، کلانشهرهایی که قبلاً پایتخت بوده اند، همچنان به رشد و توسعه خود ادامه داده و کما فی السابق بر شبکه شهری کشور سایه می اندازند. موضوعات فوق با بررسی وضعیت کلانشهرهای کراچی، استانبول و ریودوژانیرو بعد از ایجاد اسلام آباد، آنکارا و برازیلیا به اثبات رسیده است (ماجدی: ۱۷۰).

تعریف مجموعه شهری تهران و محدوده آن:

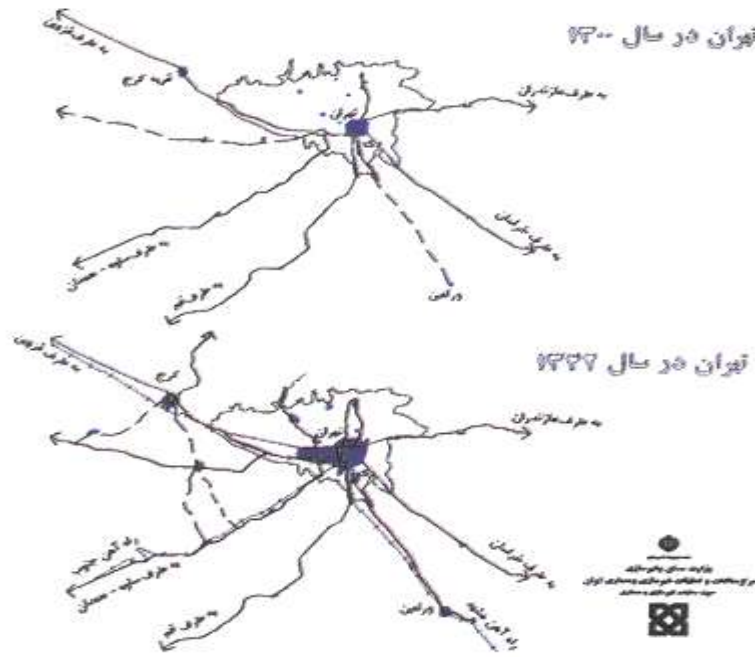
مجموعه شهری تهران شامل شهر تهران و کانون های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی اطراف آن است که بازار واحدی از سکونت و کار را تشکیل داده و عناصر آن با هم در ارتباط روزمره هستند. مجموعه شهری تهران طبق مصوبه مهر ۱۳۷۴ هیات دولت، شامل کل استان تهران است^۱ (غمامی: ۱۱). مطالعات نشان داده بخش عمده کانون های جمعیتی، اقتصادی و خدماتی در ۳۰ درصد مساحت استان در بخش هموار و حاصلخیز میانی آن استقرار یافته اند.

۱- با تصویب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۷ تیر ۱۳۸۹ استان تهران به دو استان تهران و البرز تفکیک گردید.

روند شکل گیری مجموعه شهری تهران :

جمعیت تهران، که حدود دویست سال پیش در اوایل دوره قاجار و انتخاب آن به پایتختی، کمتر از پانزده هزار نفر بود، در سال ۱۳۰۰ شمسی در اواخر دوره قاجار به کمی بیش از دویست هزار نفر و در سال ۱۳۲۰ در پایان دوره رضا خان به اندکی بالاتر از پانصد هزار نفر رسید. پس از آن، در پی تحولات داخلی ناشی از تغییر نقش ایران در سطح بین المللی و منطقه ای و در جریان وقایع بعد از جنگ جهانی دوم، آهنگ رشد و گسترش تهران شدت بیشتری پیدا کرد و جمعیت آن در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱/۵ و در سال ۱۳۴۵ به حدود ۲/۷۲ میلیون نفر افزایش یافت. طی این مدت، رشد و گسترش کالبدی تهران به لحاظ جغرافیایی، به رغم حدود سیزده برابر شدن جمعیت آن در فاصله سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۴۵، به صورت پیوسته و در اطراف هسته قدیمی آن صورت می گرفت و هنوز در خارج از خود تاثیر چندانی نگذاشته بود. این جریان چنان بود که در سال ۱۳۴۵ بزرگترین کانون جمعیتی اطراف تهران، شهر کرج، جمعیتی حدود ۴۴ هزار نفر داشت (غمامی و دیگران ۱۳۸۶: ۱-۲).

اما از این زمان به بعد، توسعه شبکه راه های ملی و منطقه ای متصل کننده تهران به سایر نقاط کشور و همچنین استقرار صنایع جدید و دیگر فعالیتهای نیازمند زمین وسیع و ارزان در اطراف تهران و نیز انتقال بعضی از فعالیتهای مزاحم شهری به خارج از شهر و علاوه بر اینها، محدودیت های پیش بینی شده در طرح های جامع مصوب باعث شده شهرها و آبادیهای واقع در اطراف تهران به سرعت گسترش یابد، کانون های جمعیتی جدید حول راه های ارتباطی اصلی آن شکل گیرد، تعداد شهرها افزایش پیدا کند و به تدریج «مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن» پدید آید. امروزه این مجموعه بخش اعظم سطح استان های تهران و البرز را تشکیل می دهد (شکل ۳) (همان: ۲).



مجموعه شهری تهران در سال ۱۳۸۵



شکل ۳. سیر تحول کالبدی مجموعه شهری تهران

جدول ۲. سهم جمعیت محدوده شهر تهران نسبت به جمعیت کل در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۸۵

مقطع زمانی	جمعیت کل استان تهران (نفر)	محدوده شهر تهران		بقیه استان	
		جمعیت (نفر)	درصد از جمعیت استان	جمعیت (نفر)	درصد از جمعیت استان
۱۳۴۵	۳۴۵۶۰۰۰	۲۷۲۰۰۰۰	۷۸/۷	۷۳۶۰۰۰	۲۱/۳
۱۳۸۵	۱۳۴۲۲۳۶۶	۷۷۱۱۲۳۰	۵۷/۴	۵۷۱۱۱۳۶	۴۲/۵

طی چهار دهه، در فاصله سالهای ۸۵-۱۳۴۵ جمعیت شهر کرج از ۴۴ هزار نفر به بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر، شهریار از ۴ هزار نفر به ۱۹۰ هزار نفر، اسلامشهر از هزار نفر به ۳۵۷ هزار نفر و چندین شهر دیگر با جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر (ورامین، قرچک و غیره) بعلاوه تعداد زیادی آبادیهای پر جمعیت در اطراف شهرهای اصلی مجموعه که در هر دهه بسیاری از آنها به مجموعه های شهری استان اضافه می شوند همگی سبب شده اند که سهم شهر تهران از جمعیت استان از حدود ۷۸ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۵۷ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یابد. در حال حاضر مجموعه شهری تهران شامل ۵ حوزه شهری مهم ذیل است، که با تهران بیش از ۹۱ درصد جمعیت مجموعه شهری را در سال ۱۳۸۵ در خود جای داده اند:

۱. حوزه شهری محور کرج: شامل شهرهای کرج، شهریار، قدس و شهرها و آبادیهای بین آنها، مانند اندیشه، محمد شهر، مشکین شهر، ملارد، و غیره.
۲. حوزه شهری محور ساوه: شامل اسلامشهر، رباط کریم و شهرها و آبادیهای بین آنها، مانند اکبرآباد، سلطان آباد، و غیره.
۳. حوزه شهری محور ورامین: شامل شهرهای قرچک، ورامین، پیشوا و آبادیهای مهم بین آنها.

۴. حوزه شهری محور خاوران، شامل شهر پاکدشت و آبادیهای مهم اطراف آن، مانند قیامدشت، انقلاب، حصار امیر و غیره.
۵. حوزه شهری محور هشتگرد: شامل شهر جدید هشتگرد، و نظر آباد و هیو و سایر آبادیهای مهم اطراف آنها (غمامی: ۲۹).

جدول شماره ۳. جمعیت حوزه های شهری مجموعه شهری تهران در سال

۱۳۸۵

حوزه شهری	جمعیت سال ۱۳۸۵ (نفر)	سهم از جمعیت استان (درصد)
تهران	۷۸۹۴۷۷۸	۵۸/۸
دماوند	۹۳۶۳۸	۰/۷
کرج - شهریار	۲۵۴۱۷۱۳	۱۸/۹
اسلامشهر - رباط کریم	۹۸۹۰۵۲	۷/۴
ورامین - قرچک -	۵۶۵۵۳۷	۴/۲
پاکدشت هشتگرد - نظر آباد	۱۷۵۷۹۰	۱/۳
جمع حوزه های شهری	۱۲۲۶۰۵۰۸	۹۱/۳
خارج از حوزه شهری	۱۱۶۱۸۵۸	۸/۷
کل استان	۱۳۴۲۳۶۶	۱۰۰

در این بین ساختار کالبدی تهران طی ۴ دهه گذشته در مراحل مختلف رشد و توسعه، شکل تک مرکزی و متمرکز و همه اشکال غیر متمرکز، یعنی پراکنده، خطی، شعاعی و اقماری را به نوعی تجربه کرده است، به عبارت دیگر:

- تا سال ۱۳۴۵، تک مرکزی و متمرکز (همانگونه که بیان شد این جریان چنان بود که در سال ۱۳۴۵ بزرگترین کانون جمعیتی اطراف تهران، شهر کرج، جمعیتی حدود ۴۴ هزار نفر داشت).

- در دهه ۵۵-۱۳۴۵ با تصویب طرح جامع و توسعه به سمت کرج، به شکل غیر متمرکز و خطی (با ایجاد کارخانجات متعدد صنعتی از جمله ایران خودرو در حد فاصل شهرهای تهران و کرج و همچنین برنامه ریزی های انجام شده برای اسکان کارگران در مکانهای نزدیک کار خود).

- طی سالهای ۶۰-۱۳۵۵، با تمرکز جمعیت و فعالیت در محورهای جاده ساوه (اسلامشهر - رباط کریم)، ورامین و خاوران، شکل غیر متمرکز و شعاعی (در این دهه مهمترین کانونهای جمعیتی در منطقه بعد از تهران و کرج ایجاد شد. از یک سو حوزه های ساوه و خاوران به دلیل نزدیکی به مراکز اصلی صنعتی مجموعه و ارزانی نسبی زمین، مورد توجه قشر کارگر و مهاجر قرار گرفت. از سوی دیگر محور ورامین به دلیل داشتن اراضی مرغوب و همین طور استقرار کارخانجات و مجموعه های انبارداری و... پذیرای افراد بسیاری در منطقه شد. ضمن اینکه رشد طبیعی جمعیت بومی نیز طی این سالها چشمگیر بوده است).

- طی سالهای ۷۵-۱۳۶۰ با افزایش جمعیت شهرهای کرج، اسلامشهر، ورامین، شهریار و غیره شکل غیر متمرکز و اقماری (طی این سالها: ۱. رشد سریع طبیعی جمعیت در شهرهای مجموعه در سالهای اولیه ۲. افزایش مداوم تعداد مهاجرین در شهرهای مجموعه ۳. ادغام روستاها در شهرهای مجموعه، سبب شده که تعداد جمعیت شهرنشین مجموعه شهری تهران افزایش چشمگیری پیدا کند).

- در دهه ۸۵-۱۳۷۵ با شکل گیری حوزه های شهری متمرکز و پر جمعیت در پیرامون تهران، می توان گفت که پایه های الگوی «چند مرکزی» یا «منظومه ای»، به طور طبیعی در مجموعه شهری تهران شکل گرفت (طی این

دهه و چشم انداز آینده مجموعه نشان می دهد: ۱. با ایجاد و گسترش جمعیت شهرهای جدید مانند پردیس، پرنده، هشتگرد، اندیشه و شهرک صنعتی اشتهارد ۲. با تبدیل وضع روستاهای مجموعه به شهر مانند محمد شهر، مشکین شهر، باغستان، حسن آباد و ... ۳. با اتصال حوزه های شهری شهرهای مختلف مجموعه به یکدیگر همانند حوزه تهران، کرج، شهریار و اسلامشهر به یکدیگر ۴. با توسعه شبکه راه های مهم منطقه ای، الگوی چند مرکزی یا منظومه ای در مجموعه شهری تهران تقویت شده و خواهد شد.

تأثیر مهاجرت در گسترش مجموعه شهری تهران:

مجموعه شهری تهران به دلیل قرار گرفتن در استان های تهران و البرز به مرکزیت شهر تهران همواره مهاجرپذیری بالایی داشته، به گونه ای که در صدر مهاجرپذیرترین نقاط جمعیتی کشور قرار داشته است. مهاجرپذیری مجموعه در ابتدا منحصر به شهر تهران بود و سپس به تدریج به شهرها و نقاط پیرامونی و حومه کشیده شد (همانند مادرشهر نیویورک که به دلیل افزایش هزینه های زندگی در مرکز این اتفاق افتاد) و در مراحل بعدی رشد و گسترش خود نه تنها شهرها و روستاهای نزدیک بلکه حتی نقاط خالی از جمعیت مجموعه را متأثر از خود کرده و در آنجا مراکز جمعیتی انبوهی را به وجود آورده است. نظری به چگونگی تکوین و گسترش شهرهای این محدوده بخوبی می تواند تأثیر مهاجرت را در شکل گیری و افزایش جمعیت آنها نشان دهد.

با اطلاعاتی که از جمعیت شهر تهران از طریق احصائیه های بلدیة تهران وجود دارد می توان گفت که تهران پس از یک دوره رشد جمعیتی بالا در فاصله سالهای ۱۲۶۲ و ۱۲۷۰، یعنی سالانه ۵/۲ درصد و رکود جمعیتی سالهای ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۱، یعنی سالانه ۰/۹ درصد، در نیمه اول قرن اخیر شمسی، از رشد جمعیتی بسیار بالایی برخوردار بوده است؛ به عبارت دیگر ۴ درصد در فاصله سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۹ و ۸/۵ درصد در فاصله سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۵ رشد جمعیتی داشته است. مقایسه میزانهای رشد جمعیت شهر تهران و دو شهر دیگر منطقه که در سال ۱۳۲۰ مورد سرشماری قرار گرفتند نشان می دهد که تا سال ۱۳۳۵ تهران

تنها شهر مهاجرپذیر منطقه بوده که میزان مهاجرپذیری بسیار بالایی نیز داشته است (مرحله اول از رشد کلانشهرها). بر این اساس تأثیر مهاجرت در افزایش جمعیت این شهر تقریباً دو برابر رشد طبیعی آن در فاصله سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۵ بوده است (زنجانی ۱۳۸۲: ۵۶-۵۵).

شهر تهران بعد از آنکه یکبار در فاصله سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۱ پوسته بیرونی خود، یعنی خندق ناصری را ترک‌کنده بود، در نخستین خیز کالبدی خویش در فاصله ای کمتر از ۱۸ سال، تمام این نقاط و شهرهای کوچک مانند رستم آباد و کوی سلیمان و آبادیهای متعدد واقع در بین آنها را در خود فرو برد و حوزه جدیدتری را برای اسکان مهاجران به این هسته پویای جمعیتی باز کرد. هسته ای که با پیدایش شهر پیشوا در سرشماری سال ۱۳۴۵ و شهرهای اشتهاارد، شهریار، قلعه حسن خان، نظر آباد، هشتگرد، ملارد و ... در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۵۵ شکل فعالتری گرفته و مهاجران از اقصی نقاط کشور را در خود جای داد. با شکل‌گیری محدوده «تهران بزرگ» در سال ۱۳۵۲ شهرهای تجریش (که خود آبادیهای اوین، درکه، نیاوران، رستم آباد، قلعهک، زرگنده، الهیه، داودیه، ضرابخانه و قسمت شهری ونک را نیز شامل می‌شد) به همراه شهر ری که در فاصله سالهای ۴۵-۱۳۳۵ «کوی سلیمان» را در خود ادغام کرده بود به قسمتهایی از شهر تهران تبدیل شدند و محدوده بسیار فعالتری را برای جذب مهاجران به وجود آوردند (همان: ۵۷-۵۶).

طی چند دهه گذشته نرخ رشد جمعیت شهر تهران که در سال ۱۳۴۵ بیش از دو برابر نرخ رشد جمعیت کشور بود (۷ درصد در برابر ۳/۱۲ درصد) به ۴/۲۶ درصد در سال ۱۳۵۵، ۲/۹۲ درصد در سال ۱۳۶۵، ۱/۱۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت و مجدداً در دهه ۸۵-۱۳۷۵ با کمی افزایش روبه‌رو بوده و به ۱/۴۴ درصد رسیده است. این در حالی است در همین سالها، نرخ رشد جمعیت کشور به ترتیب برابر ۳/۱۲، ۲/۷۲، ۳/۹۱، ۱/۹۶ و ۱/۶۱ درصد بوده است. در نتیجه این رخداد، از سهم جمعیت شهر تهران نسبت به جمعیت کشور فرو کاسته شد. البته به وجود آمدن یک چنین پدیده ای ناشی از کاهش مهاجرت به شهر

تهران نبود بلکه ناشی از مشکلات مهاجرین (همانند گرانی مسکن، هزینه های زندگی و ...) برای جذب شدن در تهران بوده است که به ناچار جذب محیط های پیرامون تهران شدند.

جدول شماره ۴. نرخ رشد سالانه جمعیت شهر و استان تهران و کشور در دهه های

سرشماری

دوره	جمعیت شهر تهران		جمعیت استان تهران		درصد رشد سالانه جمعیت کشور
	درصد رشد کشور	درصد سهم از کشور	درصد رشد کشور	درصد سهم از کشور	
۱۳۳۵-۱۳۴۵	۷/۰۱	۱۱/۶	۵/۲	۱۳/۴	۳/۱۲
۱۳۴۵-۱۳۵۵	۴/۲۶	۱۳/۴	۴/۳۶	۱۵/۸	۲/۷۲
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۲/۹۲	۱۲/۲	۴/۲۸	۱۶/۶	۳/۹۱
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱/۱۳	۱۱/۳	۲/۴۸	۱۷/۲	۱/۹۶
۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱/۴۴	۱۱/۱	۲/۶۳	۱۹	۱/۶۱

* آمار استان تهران بر اساس محدوده سال ۱۳۸۵ آن بازسازی شده است.

جدول فوق گویای این واقعیت است که در حالیکه از سهم جمعیت شهر تهران از جمعیت کشور طی دهه های ۸۵-۱۳۵۵ کاسته شده، بر سهم جمعیت استان تهران از جمعیت کشور در دهه های یاده شده همواره افزوده شده است، علیرغم اینکه درصد رشد جمعیت استان تهران روندی کاهشی (به استثنای دهه ۱۳۸۵) داشته است. به دلیل اسکان بیشتر مهاجرین در نقاط خارج از شهر تهران و اینکه مهاجرین نسبت به ساکنین شهر تهران باروری بالایی داشته اند در کل میزان رشد جمعیت استان تهران بسیار بالاتر از شهر تهران و حتی کل کشور است.

روند تحولات مهاجرت به منطقه شهری تهران:

مهاجرت به منطقه شهری تهران در فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ شدت بیشتری یافت. در این سالها حداقل ۷۴۱۹۴۰ نفر به استان تهران وارد و ۲۶۵۹۴۴ نفر از آن خارج شده اند. موازنه

مهاجرتی استان تهران در این دوره ۴۷۵۹۹۶ نفر بوده و با فاصله بسیار زیادتری در صدر استانهای مهاجر پذیر قرار داشته است. با احتساب مهاجرتهاى داخل استانی تعداد وارد شدگان به این استان به ۱۲۰۵۶۵۲ نفر بالغ می شود که حدود ۷۰ درصد آنها در نقاط شهری (اعم از شهرهای قبلی و نقاطی که در فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به شهر تبدیل شدند) ساکن شدند. در صورتی که یکی از آثار ظاهری مهاجرتها را افزایش جمعیت و توسعه کالبدی شهرها و ادغام آبادیهای پیرامونی در آنها بدانیم، این امر در منطقه شهری تهران در فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ نیز همچنان استمرار داشته و منجر به تبدیل ۶ آبادی شامل رودهن، کیلان، اوشان و فشم و میگون، گلندو، رباط کریم و مهرشهر به شهر و ادغام ۶۸ آبادی در مجموعه شهری منطقه شده است (همان: ۶۲-۶۰). در این دوره در حالیکه از رشد جمعیت شهر تهران به طور چشمگیری کاسته شد (از ۴/۲۶ درصد در دهه ۵۵-۱۳۴۵ به ۲/۹۲ در دهه ۶۵-۱۳۵۵) اما نواحی مجاور شهر تهران در استان تهران فقط با کاهش اندک در رشد جمعیتی مواجه بوده اند (از ۴/۳۶ درصد در دهه ۵۵-۱۳۴۵ به ۴/۲۸ در دهه ۶۵-۱۳۵۵). (مرحله دوم از رشد کلانشهرها)

طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵ روند مهاجرپذیری شهر تهران کاهش یافت و سهمش از جمعیت کشور و همین طور از استان تهران روند نزولی پیدا کرد، اما مهاجرت به این شهر در واقع ادامه داشته و مهاجرین در نقاط شهری و روستایی پیرامون آن بخصوص در بخش های غربی و جنوب غربی آن ساکن شدند، به گونه ای که حتی درصد سهم جمعیت استان تهران از جمعیت کل کشور افزایش نیز داشته است. طی این دهه، ۹۱۶۸۸۳ نفر (با احتساب شهرستان قزوین) وارد مجموعه شهری تهران شده اند که از این تعداد ۹۱/۷ درصد در شهرهای تهران، اسلامشهر، شهریار، کرج و ورامین استقرار یافتند. از طرف دیگر ۴۸۶۹۸۷ نفر نیز به خارج از منطقه مهاجرت کرده اند (زنجانى همان: ۸۱، ۷۰). در کل استان تهران در این دهه نیز با موازنه مهاجرتی ۴۲۹۸۹۶+ نفری روبه رو بوده است. در این دوره جمعیت شهر کرج به حدود یک میلیون نفر افزایش پیدا کرد.

بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، ۱۹ درصد جمعیت کشور یعنی بیش از ۱۳ میلیون و چهارصد هزار نفر در استان تهران ساکن هستند. در دهه ۸۵-۱۳۷۵ همانند دهه های قبل روند افزایش سهم استان تهران از جمعیت کشور نیز بی وقفه ادامه داشته و حتی این افزایش بیشتر از دهه های قبل بوده است (جدول شماره ۴). در اینجا با توجه به جدول مشخص می شود، در حالی که طی دهه های گذشته همواره درصد رشد و سهم جمعیت شهر تهران از جمعیت کشور روبه کاهش بوده است اما در دهه ۸۵-۱۳۷۵ درصد رشد جمعیت شهر تهران بر خلاف گذشته افزایش داشته (این در حالی است که رشد جمعیت کشور به روند کاهنده خود در این دهه نیز ادامه داده است و از ۱/۹۶ درصد در دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ۱/۶۱ درصد در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ رسیده است) اما از آنجا که جمعیت کل استان نیز با همین وضعیت در این دهه مواجه شده و سرعت افزایش بیشتری نیز داشته، همچنان سهم شهر تهران از جمعیت کل کشور با کاهش جزئی همراه بوده و از ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش داشته است. طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ تعداد ۱۶۱۲۲۴۳ نفر مهاجر از استانهای دیگر و خارج از کشور وارد استان تهران شده اند و در مقابل ۸۲۳۳۷۹ نفر مهاجر نیز از آن به خارج استان مهاجرت کرده اند. در این دهه استان تهران موازنه مهاجرتی ۷۸۸۸۶۴+ نفری داشته است که نسبت به دهه قبل (۴۲۹۸۹۶- نفر) با افزایش بسیار چشمگیری مواجه شده است. با بررسی روند تحولات مهاجرت در دهه ۸۵-۱۳۷۵ می توان بیان کرد که روند رو به کاهش مهاجرت در شهر و استان تهران متوقف شده و روندی صعودی این مجموعه شروع شده است.

در ارتباط با این وضعیت لازم به توضیح است که سازمان جهانی شهرداریهای جهان در گزارش های متعدد خود هر ساله آمار حیرت آوری از توسعه و گسترش جمعیت شهرنشین در جهان منتشر می کند. این سازمان در یکی از این آمارهای منتشر شده با توجه به شاخص های مشترک میان شهرهای جهان به پیش بینی توسعه شهری و رشد این پدیده

پرداخته است. در جدیدترین گزارش شهرداریهای جهان در سال ۲۰۰۶ نکته جالب، حضور شهر کرج (در مجموعه شهری تهران) با متوسط رشد سالانه ۲/۵۹ درصدی در ردیف نخستین شهر ایران و ردیف ۸۳ فهرست شهرهایی که سریعترین رشد را به لحاظ جمعیت و مساحت در جهان تا سال ۲۰۲۰ دارند، است. جالب توجه است که شهر کرج بالاتر از شهرهایی مانند بمبئی هند، پرتلند و هیستون آمریکا، استانبول ترکیه، شنژن^۱ چین، ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی و بغداد عراق قرار دارد (هو^۲ ۲۰۰۷). از مهمترین علل این افزایش سریع جمعیت شهر کرج می توان به مهاجرپذیری بالای شهرستان کرج اشاره داشت به گونه ای که در دهه ۸۵-۱۳۷۵ بعد از شهرستان تهران عنوان دومین شهرستان مهاجر پذیر کشور را به خود اختصاص داده است.

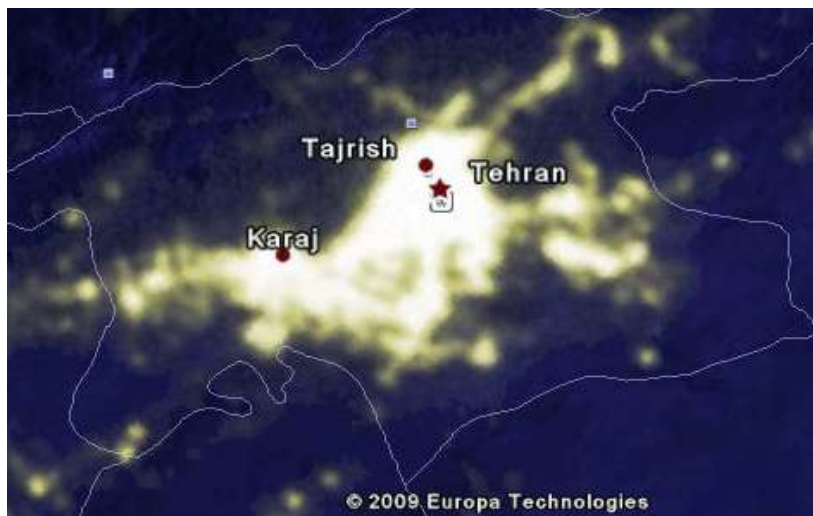
بحث و نتیجه گیری

در کشور ما اغلب شهرهای بزرگ دارای یک هسته اصلی هستند. در این شهرها مراکز کمک کننده به مرکز اصلی شهر یا در آنها وجود ندارد و یا بسیار ضعیف عمل می کند. در این شهرها خدمات عمومی، تاسیسات رفاهی و راه های ارتباطی با نقص روبه روست. اغلب این شهرها دارای چند نقش و وظیفه می باشند، اما به استثنای تهران، فقط یک تا دو نقش، در حیات اقتصادی آنها عامل تعیین کننده محسوب می شود. با این همه، بنابر ساختار محیط اقتصادی، اغلب این شهرها بسیاری از شهرهای کوچک و نواحی اطراف را تحت نفوذ مستقیم دارند ولی تمام آنها نیز به مانند سایر شهرهای ایران از طریق سلسله مراتبی در حوزه نفوذ مرکزی کشور یعنی تهران می باشند (شیعه همان: ۵۶).

همان گونه که بیان شد کلانشهر به حوزه ای اطلاق می شود که در محدوده آن بیش از یک مادرشهر وجود داشته باشد و انبوهی از شهرهای بزرگ مادرشهری را در کنار شهرها و مراکز زیستی دیگر در میان گرفته باشد. در این میان هنگامی که حومه های یک

1. Shenzhen
2. Hove

مادرشهر با حومه های یک مادرشهر دیگر مرتبط می شود و یک مجموعه واحد و یکپارچه ای را تشکیل می دهند، از آن زمان به بعد حاصل این پیوند و ارتباط را کلانشهر می نامند در ضمن جمعیت این کلانشهر نباید کمتر از ده میلیون نفر باشد. حوزه های این مادرشهرهای واقع در مجموعه کلانشهری باید دارای چند هسته باشند که به هم پیوسته اند و توده بزرگ شهری را ایجاد کرده اند. خود این مادرشهرها نیز نیازمند شرایطی مانند رفت و آمد ۴۵ دقیقه ای از مرکز تا حومه و بسیاری از شرایط دیگر است که قبلاً بیان شده اند. با توجه به مواردی که بیان شد، حتی اگر تمام شهرهای بزرگ ایران مادرشهر تلقی شوند، شهر مادرشهر دومی را در مجموعه خود ندارند که بتوانند مجموعه کلانشهری را تشکیل دهند. در حال حاضر فقط می توان از شهر تهران و اندکی اغماض از کرج به عنوان مادرشهر نام برد که هر یک خود شهرهای حومه ای بزرگی را در اطراف خود دارند. ضمن اینکه با توجه به نقشه مجموعه شهری تهران در سال ۱۳۸۵ شاهد این حقیقت هستیم که حوزه شهری تهران به همراه شهرهای بزرگ حومه ای خود یعنی شهرری، شمیران، کرج بزرگ، شهریار، اسلامشهر، ورامین، پاکدشت، هشتگرد و نظرآباد طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۲ میلیون نفر جمعیت داشته اند که اکثر این نقاط همان گونه که در نقشه مجموعه در سال ۱۳۸۵ مشخص شده اند همانند حوزه های شهری تهران، کرج بزرگ، شهریار، ملارد، اسلامشهر و رباط کریم به هم متصل شده اند. انتظار می رود که با اتصال حوزه های شهری پاکدشت، قرچک و ورامین از سمت جنوب شرق با حوزه تهران و با این روند و چشم انداز توسعه مجموعه و تاثیراتی که مهاجرت در این میان در مجموعه شهری تهران می گذارد و همین طور اشکال مختلف توسعه مجموعه شهری تهران، این نخستین کلانشهر کشور که با تعریف استاندارد جهانی آن مطابقت دارد، هر چه بیشتر توسعه و گسترش یابد. شکل زیر که توسط نرم افزار **googleearth** در شب از مجموعه شهری تهران گرفته شده است، موقعیت کلانشهر ایجاد شده در اطراف شهر تهران را نشان می دهد.



شکل ۴. مجموعه شهری تهران در شب در سال ۲۰۰۹

همانطور که قبلاً ذکر شد، از معیارهای مادرشهر و کلانشهر شدن تنها معیار جمعیتی آنها مورد نظر نمی باشد. امروزه به دلیل جمعیت زیاد، گسترش حوزه های شهری، وجود ترافیک های سنگین و عدم برنامه ریزیهای جامع شهری عملاً "زمان دسترسی از مرکز تا حومه در این دو شهر تهران و کرج شاید حتی بیش از ۴۵ دقیقه زمان ببرد و همین طور فاصله بین محل سکونت افراد تا محل کار آنها واقعا" چندین برابر زمان ۳۰ دقیقه ای که در تعریف مادرشهرها بیان شده اند، زمان نیاز دارند. علاوه بر این موارد وجود وسایل حمل و نقل پیشرفته همچون مترو که از الزامات مادرشهر و کلانشهرهای پیشرفته است تنها در همین دو شهر کشور یعنی کرج و تهران فعالیت می کنند. در مورد امکانات سرمایه گذاری عظیم و جهانی و همین طور گستردگی خدمات خصوصی نیز که در مبحث مادرشهر و کلانشهرها بیان می شوند، لازم به توضیح است هرچند که سهم سرمایه گذاری های خارجی در اقتصاد ایران همچنان پایین است، اما شهر تهران در درون مجموعه شهری تهران به دلیل پایتخت سیاسی کشور همواره جاذبه های زیادی برای سرمایه گذاران خارجی داشته است. در مورد سرمایه گذاریهای داخلی نیز مجموعه شرکتهای صنعتی واقع در جاده قدیم

تهران کرج از جمله شرکتهای خودرو سازی ایران خودرو، سایپا، پارس خودرو، زامیاد و همین طور شرکتهای عظیم مرتبط با بخش خصوصی و سایر شهرک های صنعتی واقع در مجموعه، بی شک جاذب عظیم ترین سرمایه گذاریهای کشور هستند.

در پایان همانطور که آقای شیعه در مقاله خود بیان می کند: "اگرچه برای کشور ما تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ و کاهش اعتدال در پراکنش آن به نسبت امکانات محیطی، نواحی و مناطق مختلف ایران مورد تایید نیست، با این همه کشور ما در طول حداقل سه دهه اخیر با این عدم اعتدال ها در شرایط زیست مواجه بوده است. ولی تمام موارد فوق دلیلی بر آن محسوب نمی شود که این شهرها [تک تک شهرهای بزرگ ایران] را با اصطلاحاتی همچون مادرشهر و کلانشهر خطاب نموده و بر خلاف شواهد علمی، به وجوهی مرسوم شوند که با معنا و مفهوم اصلی آنها فاصله زیادی دارند".

منابع

- آریان پور کاشانی، عباس (۱۳۶۳) فرهنگ کامل جدید انگلیسی - فارسی، دوره پنجم جلدی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۲) مجموعه شهری تهران: برگزیده مطالعات جمعیتی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- شکویی، حسن (۱۳۵۰) جغرافیای شهری، جلد دوم، دانشگاه تبریز، تبریز: ۱۳۵۰.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۳) مقایسه شهرهای بزرگ ایران با مفاهیم مادرشهر و کلان شهر، فصلنامه آبادی، تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، سال چهاردهم، شماره ۴۴-۴۳، صص ۵۹-۵۴.
- غمامی، مجید (۱۳۸۳) مجموعه شهری تهران: گزیده مطالعات طرح راهبردی توسعه کالبد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- غمامی، مجید و دیگران (۱۳۸۶) مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی: شرایط تحقق طرح مجموعه شهری تهران، تهران: انتشارات شهیدی.
- ماجدی، حمید (۱۳۷۹) تعاریف و مبانی نظری کلانشهرها، تجارب جهانی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، تهران: مرکز آمار ایران.
- گزیده نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران از سایت:

<http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85>

- Alan A. Lew (2004). *The Mid-Atlantic and Megalopolis*. Geography:USA Retrieved on Desember 23, 2008 from :

-<http://www.geog.nau.edu/courses/alew/ggr346/text/chapters/ch4.html>.

-Hove, Tann vom. "The world's fastest growing cities and urban areas from 2006 to 2020", Retrieved June 28, 2008 from :

-Gottmann, Jean. *Megalopolis: The urbanized Northeastern seaboard of the united states*. New York: the Twentieth century fund, 1967

http://www.citymayors.com/statistics/urban_growth1.html.

-Gottmann, Jean. *Megalopolis: The urbanized Northeastern seaboard of the unitedstates*. New York: the twentieth century Fund, 1967.

-Lang, Robert E. and Dawn Dhaval. (2005). *Beyond Megalopolis: Exploring Americas New "Megalopolitan" Geography*. Metropolitan Institute at Virginia Tech Census Report 05:01.

-United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2006). *World Urbanization Prospects: The 2005 Revision*, Working paper No, ESA/P/WP/200.

<http://www.AmericanHeritageDictionary.com>

http://www.en.wikipedia.org/wiki/BosWash#cite_note-0.

<http://www.EncartaDictionary.com>

<http://www.googleearth.com>